

MARVEL

2

LGY#152

DONNY CATES
GEOFF SHAW
MARTE GRACIA

GUARDIANS OF THE GALAXY



RATED T+

marquez/white

استارلرد، فیلاول، مون دراگون، بتا ری بیل و کازمیک گُست راید...همگی در صف
اول و آخر سد دفاعی کهکشان قرار دارند...چه بخواهند چه نخواهند.

نگهبانان کهکشان



در قسمت قبل خواندید...

کهکشان در حالت بحران به سر می برد. گامورا-مرگبارترین زن کهکشان-پدرش تانوس را کشت و به کمک سنگ های بینهایت جهان را تا مرز ویرانی پیش برده است. پیامد داستان، موجودیت نگهبانان بصورت قبل زیرسؤال رفته، گمورا فراری شده، دراکس مرده و راکت در محلی نامشخص به سر می برد.

بعد از آن، در جلسه خوانش وصیتنامه تانوس فرقه سیاه به مجلس حمله ور می شود و اعضای آن تعداد زیادی از جنگجویان بزرگ جهان را از بین می برند و تحت فرمان هلا (الهه آزرگاردینی مرگ و عشق قدیمی تانوس) جسد تایتان دیوانه را می دزدند.

با این وجود آنهایی که از این تهاجم جان سالم به در بردند، دور هم جمع شدند...تحت عنوان نگهبانان جدید کهکشان!

"THE FINAL GAUNTLET" TWO of SIX

DONNY CATES
writer

GEOFF SHAW
artist

MARTE GRACIA
colorist

VC's CORY PETIT
letterer

DAVID MARQUEZ & DEAN WHITE
cover artists

MATTEO SCALERA & MATTHEW WILSON
variant cover artists

DANNY KHAZEM
assistant editor

DARREN SHAN
editor

JORDAN D. WHITE
senior editor

C.B. CEBULSKI
editor in chief

JOE QUESADA
chief creative officer

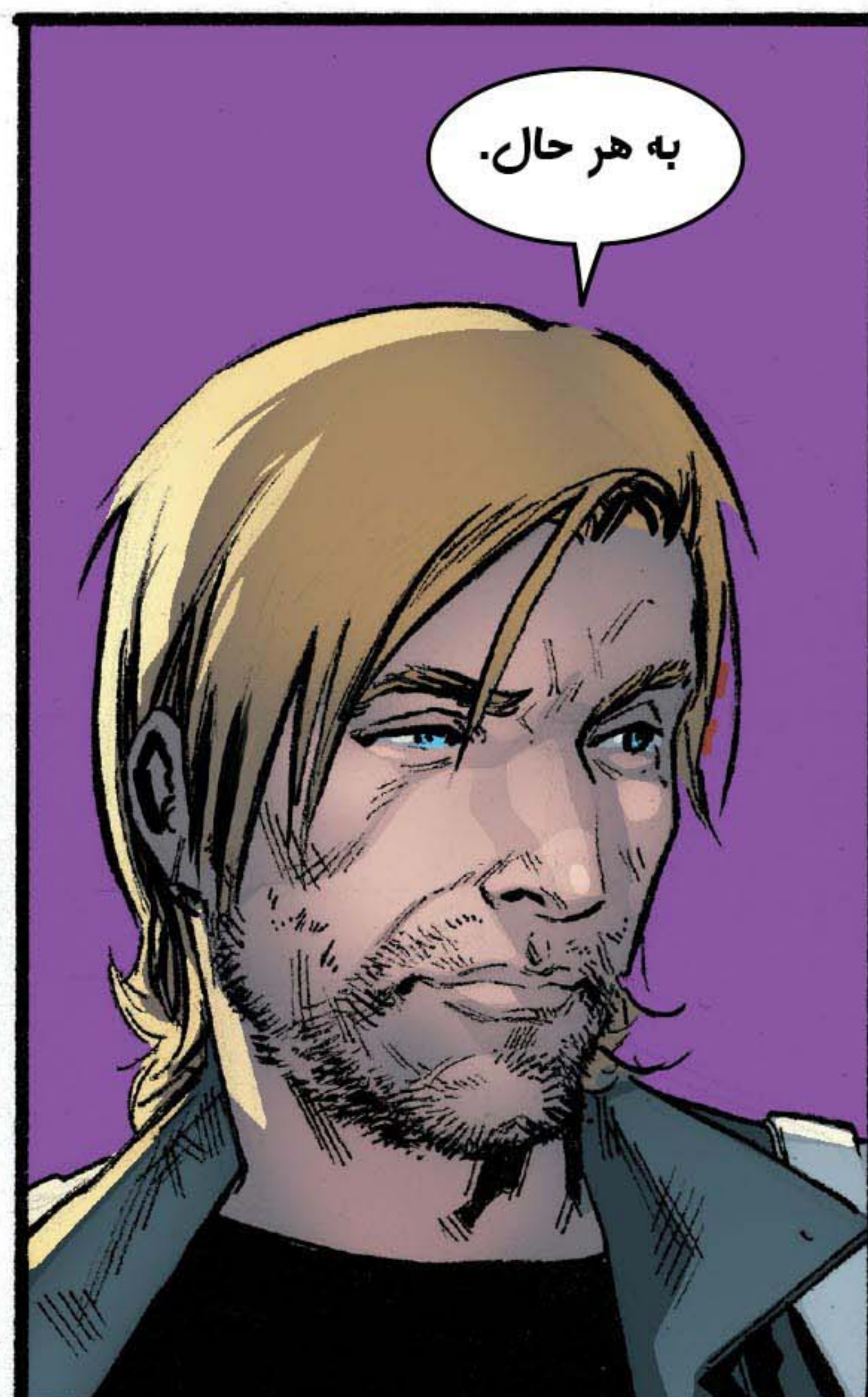
DAN BUCKLEY
president

ALAN FINE
executive producer



پس تانوس
مرده.

و وصیتنامه ای به
جا گذاشته و همه از همه جا
جمع شدند تا اونو بشنوند.
همه غیر از من و گروت که
جزئی از همه هستیم...



به هر حال.

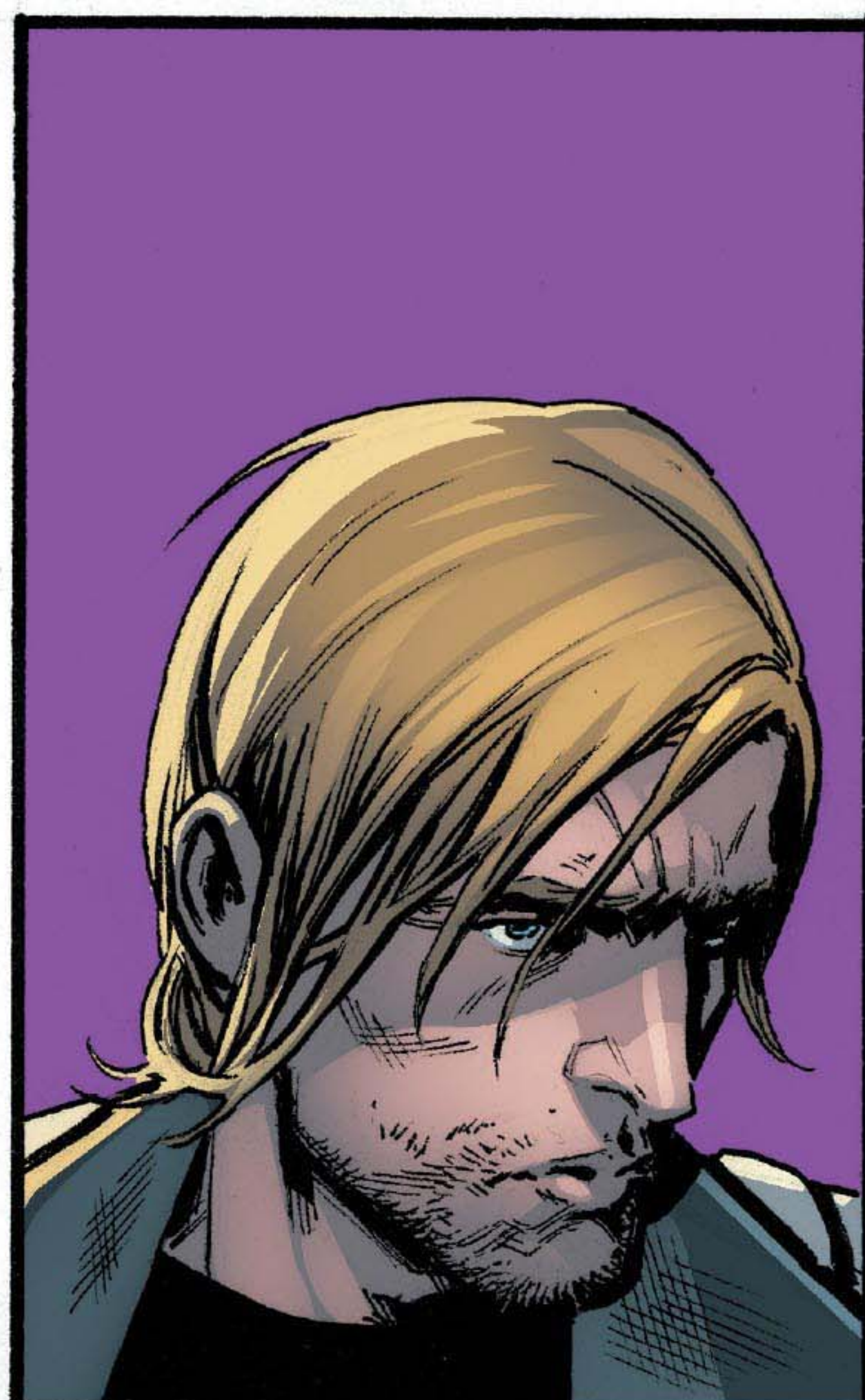


به نظرم تو وصیتنامه اش
گفته بود که می خواد هوشیار بشو
تو قالب کسی دیگه آپلود
کنه؟ پس همه کپ
کردن.

چون... همه فکر
می کنن اون یه نفر
...اون زنه است.



گامورا.



اونا کی خواستند بکشنش.
استارفاکس و اون گروه
کوچیک گاموراکش.

قبل از اینکه
بدست فرقه سیاه از بین
برند. صبر کن. اونا هم تو
حمله کشته شدند؟ باید
از بتاری بیل در مورد
اون زمان بپرسم.



آره، فرقه سیاه
جسد تانوس رو دزدید
و همه رو فرستاد تو
یه سیاهچاله.

بتاری بیل
هم تو گروهه.



انگار هیچکس
از این بابت
خوشحال نشد.
اُه، منم یه گروه
جدید دارم انگار.

به هر حال
دارم به این فکر
می کنم که حال
کیتی چطوره؟



پیتر... ساعت
چهار صبحه.

تو هم
داغونی که.

می دونم تو
فضایی و مسئله
دوش گرفتن و زمان
به این سادگی ها
نیست. ولی...

تو هم تو
فضایی. زمین تو
فضاست و چیزهای
دیگه.

این صحنه قبل از به هم خوردم
گروه ایکس-من ها اتفاق می افتد!



تو دوباره
زدی تو کار
فلسفه بافی. انگار
حالت خوب
نیست.

حالم
خوب
نیست!؟

چرا داری
از ارتباط ویدئویی
استفاده می کنی؟
قبض هولوگرام...
رو پرداخت نکردی؟

سفینه جدید
و مزخرفه. رایدر.



پیتر.

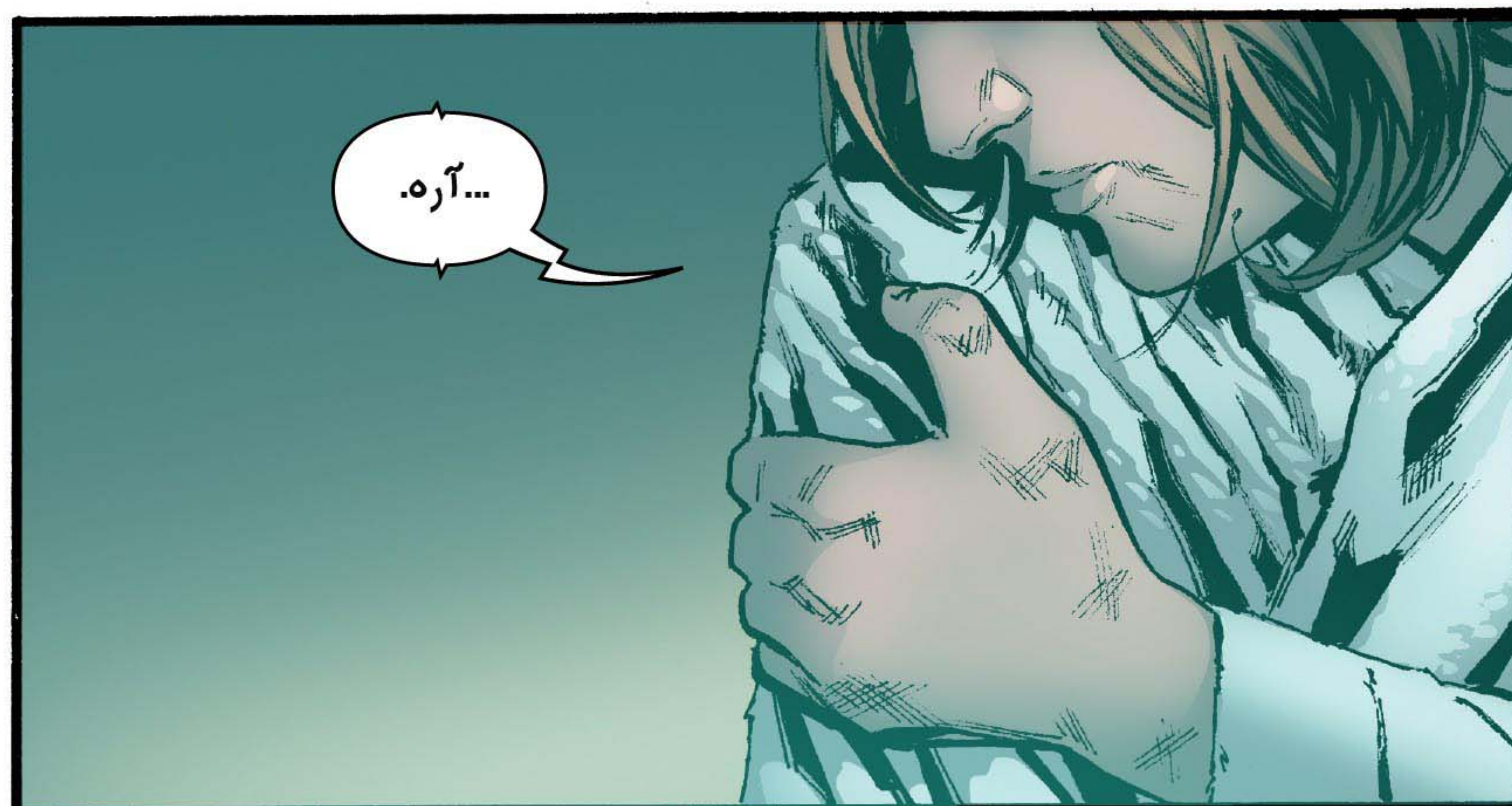
دوستت
دارم. برگرد.

پیتر.



بیخیال
می دونم شانس خودم
رو برای داشتنت
از دست دادم.

ولی کولوسیوس
مرد خوبیه.



...آره.



پیتر چرا باهام
تماس گرفتی؟



اُه. آم. نمی دونم.
می خواستم با یکی حرف
بزنم که درخت، اسب، شیطان
یا پلیس نباشه.



نه. چرا با من
تماس گرفتی و
به اون یکی نه؟



کدوم؟

این کارو
نکن.

چی؟ اون منو
کشت کیتی. از این
قضیه نمی شه بسادگی
گذشت.

اوه، پس
باید از ایکس من ها
متنفر باشی.



گوش کن، من
می شناسمت. می دونم
نمی تونی بشینی و شاهد
بروز اتفاقات بد برای افرادی
باشی که دوستشون داری.

پس اگه مشکلی
براش پیش اومده باید
به جای نشستن و فلسفه بافی
یه کاری انجام بدی.

ضمناً قرار نیست
در مورد موضوع فرقه
سیاه حرف بزنیم؟ به نظرم
خیلی مهمه...

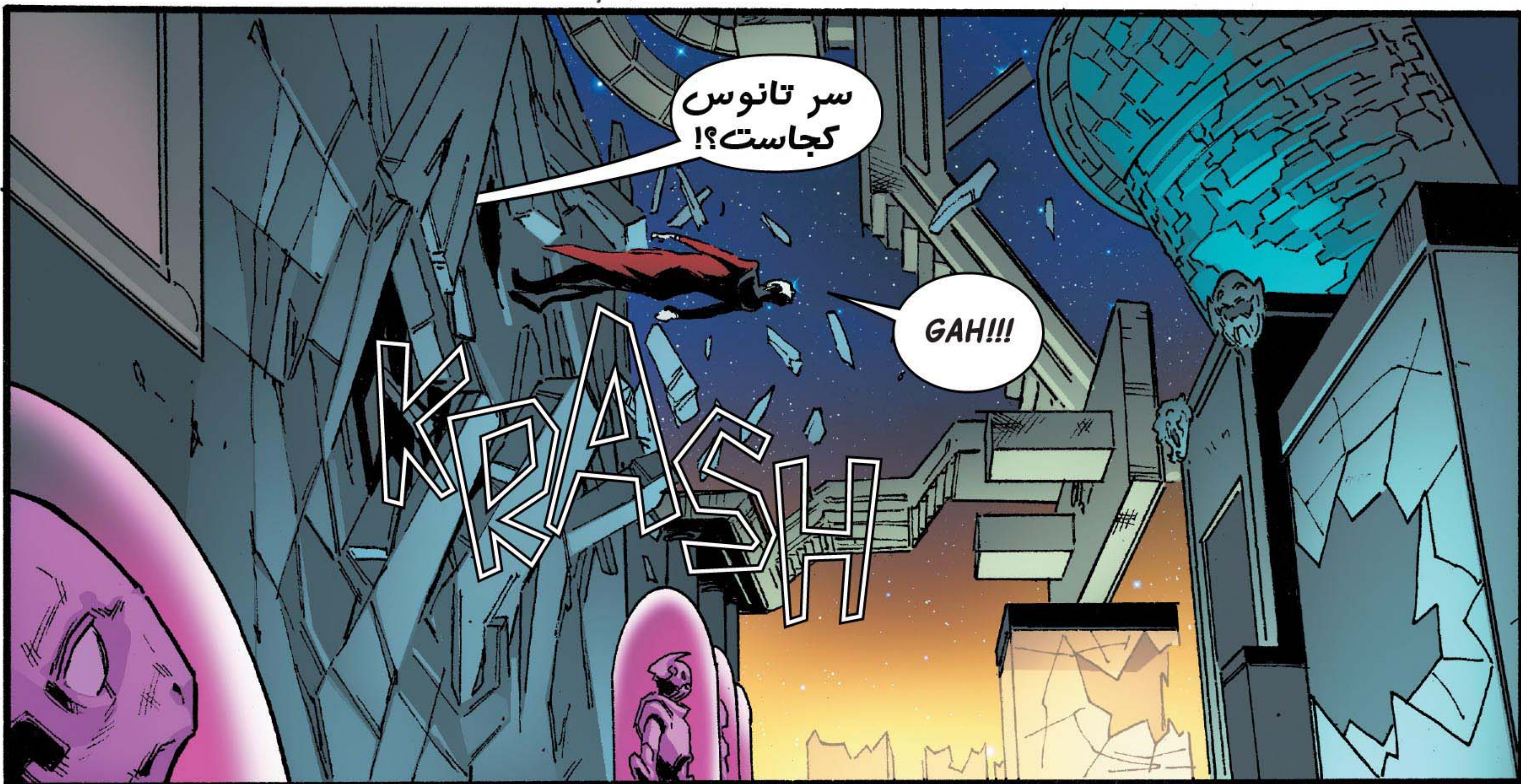


منظورم اینه که
با جسد تانوس چکار
کردند؟ کجا بردنش؟
اصلاً جسدشو برای
چی لازم دارند؟!



من.

یه عده
عجیب و غریب.
مطمئنم مشکلی
نمی دونم.
نیست.



سر تانوس
کجاست؟!

GAH!!!

KRASH!



او...
<سرفه>
تانوس مرده؟

احتمالاً
خیلی برانش
ناراحت...



خفه شو
کلکسیونر!

KRAK

AH!



متأسفم عزیزم
ولی الان به سختی
یادم میاد چی فروختم
و به کی...

شاید اگه بتازگی
همه ثروتم رو از دست
نداده بودم، می تونستم
بهتر فکر کنم...



خوب پس
می خواهی معامله
کنی...



ه-هلا؟

شنیدم بتازگی
کنترل جهنم رو بدست
گرفتی. تیریک
می گم.

می بینم که
هنوز تابع مدهای قدیم
هستی. شاید وقت
یه کم نوگرایی
رسیده باشه...

...بیا یه
معامله بکنیم
تیوان.

یه جور حرف
می زنی انگار آرزوی
مرگ داری...

کمیک (۲۰۱۸) Thor شماره ۴



ولی اولین باری
نیست که با مرگ روبرو
می شه، مگه نه؟

ضمناً قبلاً
دست خود ملکه مرگ بهت
رسیده مگه نه؟ جاودانگی
بهت داده شده؟



اتحاد شما و
اون زن رقت انگیز.
هرگز درکتون نکردم.

بگذریم. پیشنهاد
من به تو...



به من
بگو سر تانوس
کجاست.

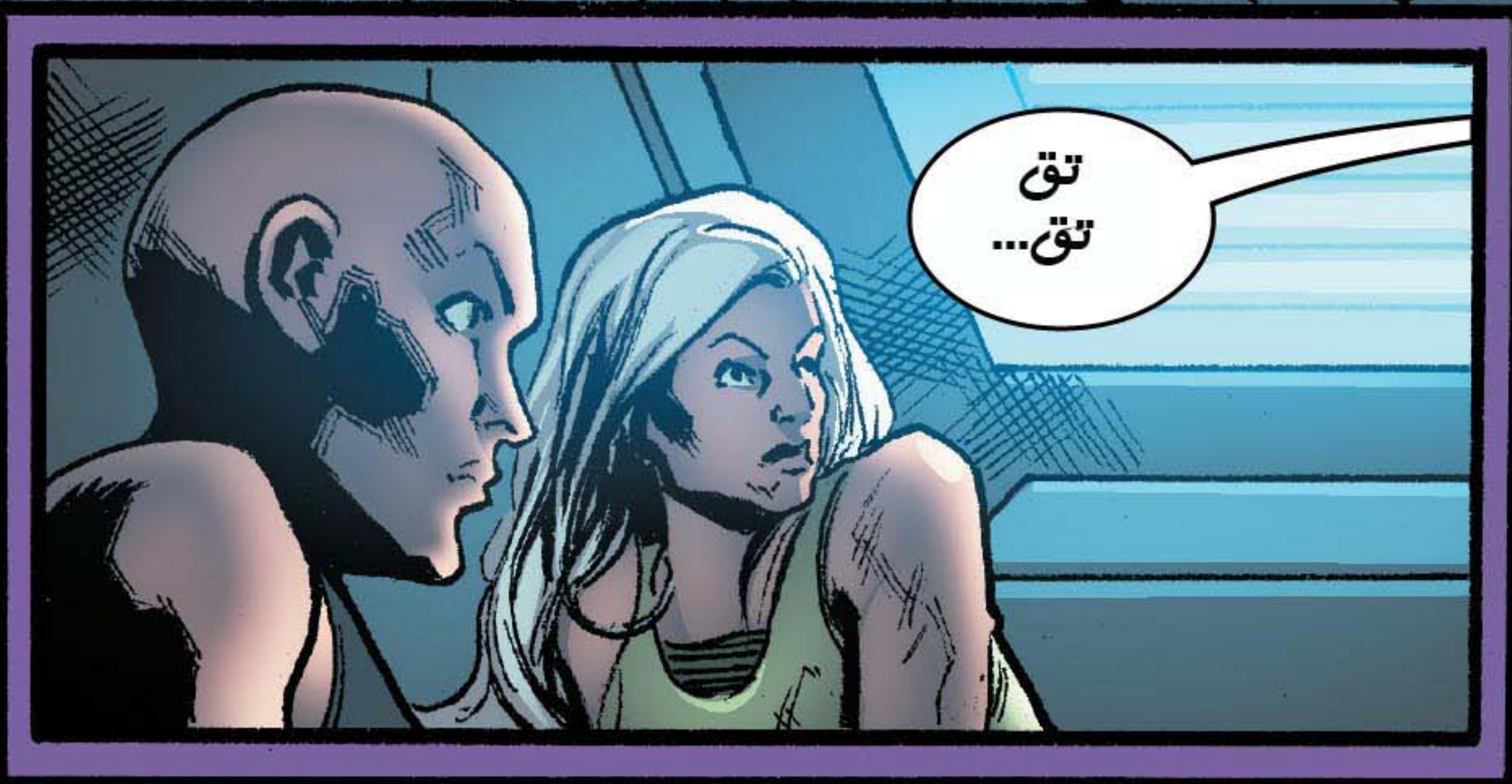
و من
بهت نمی گم
شکستن عهدی
که با مرگ بستی
چقدر آسونه...



باشه.



خبر خوب
اینه که شنیدم
هوای منطقه
منفی این موقع
سال خیلی
خوبه...



تق
تق...



متأسفم.
نمی خواستم مزاحم
باشم.

فقط می خواستم
مطمئن باشم هر چی
لازم دارید محیا
است؟



یه چیزهایی
براتون آوردم. البته ما
جنس خوب زیاد نداریم.
ولی حدس زدم که شاید
بخواهید لباس عوض
کنید.

اکثراً چیزهای
گامورا و دراکس
هستند. سایز و اینجور
چیزها رو نمی دونم.

به هر حال
ببخشید که
مزاحم شدم.
روز خوب...

پیتر...



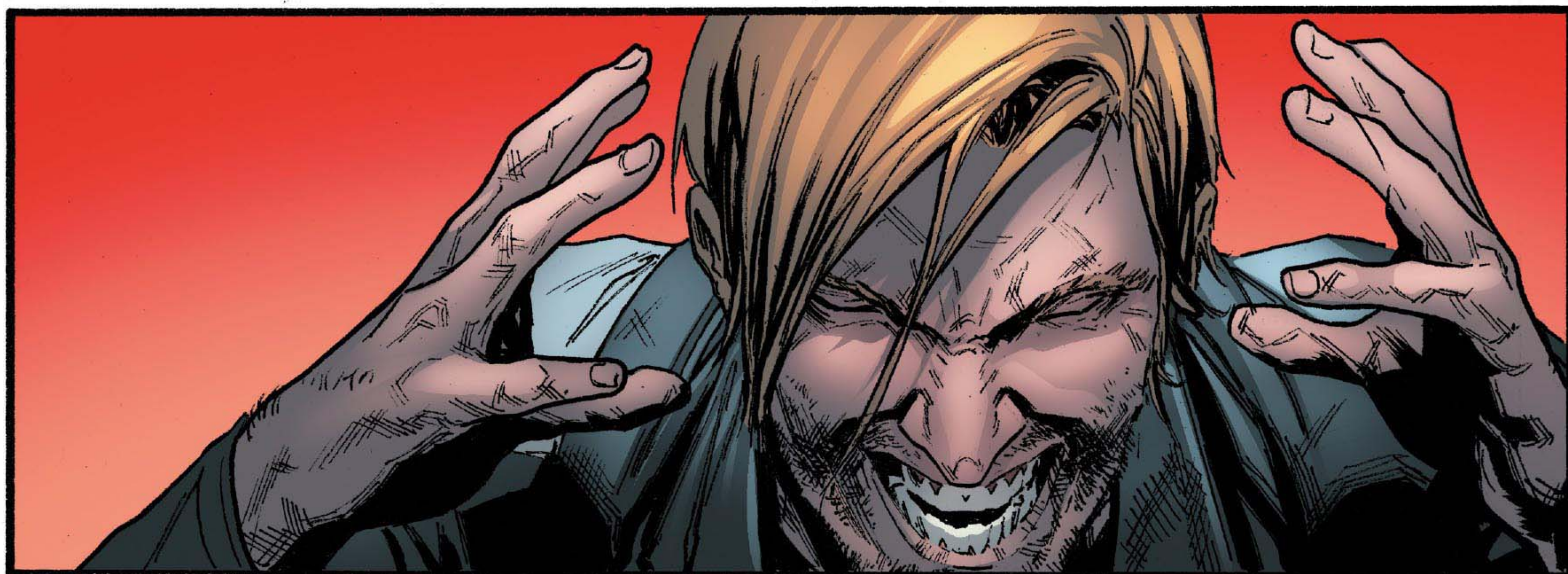
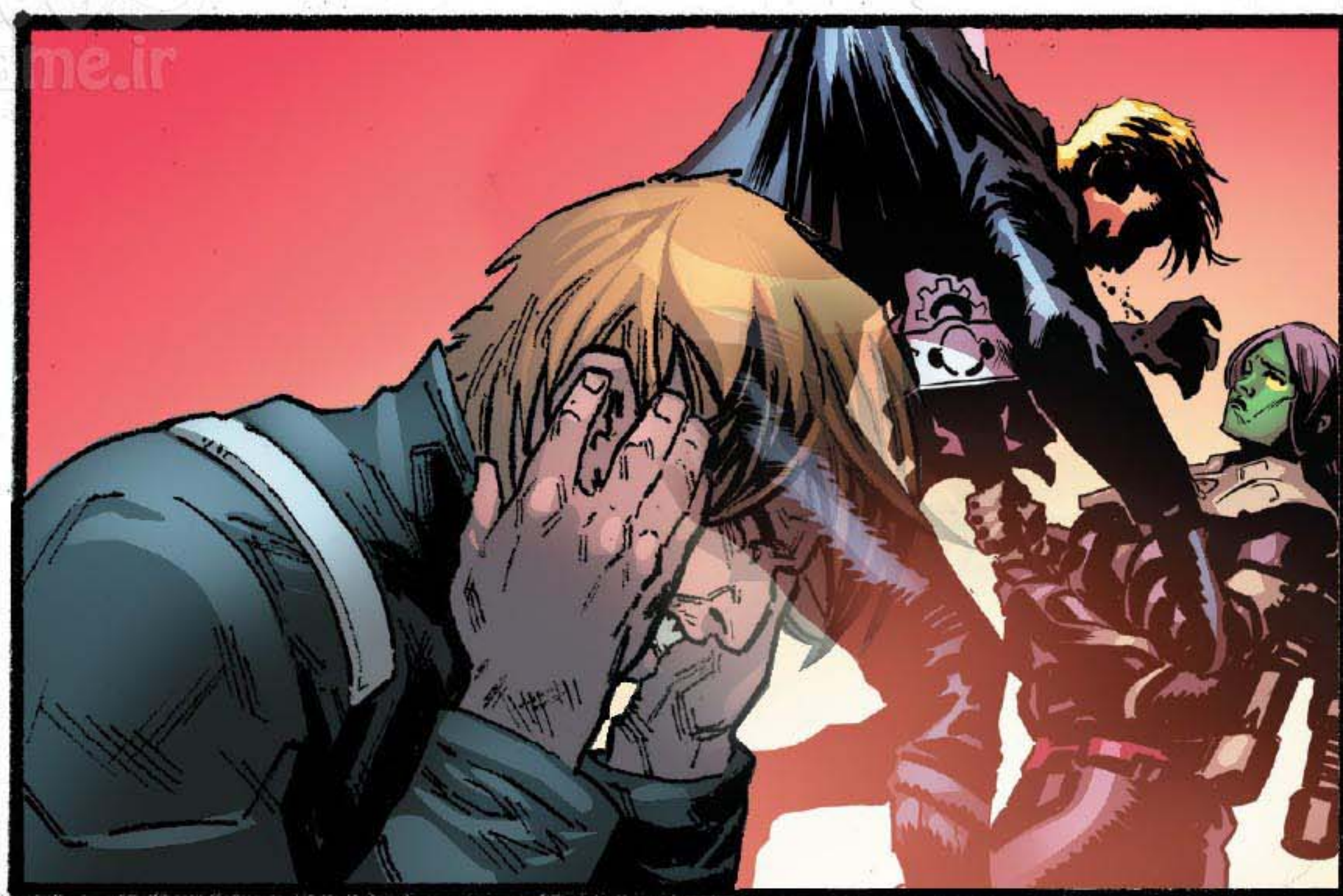
حالت خوبه؟
چرا عین مرده ها
شدی؟!



آره.



آره. مشکلی
نیست. شب
خوش.







من
سیخونکم!



نمی دونم... اصلاً
از کجا شروع کنم گروت.
این همه فسقلی اینجا
چیکار می کنند؟



آآآ



لعنتی!!

بابا
ولش کن
بچه است.



گروت دیگه نمی تونه
چیزی رو که گروت
بمش تبدیل شده کنترل
کنه پیترا

چه غلطی
داری
می کنی؟

این کوچولوهای @&%\$ از
تکه های گروت بریدند و اینجوری
نیش می زنند!

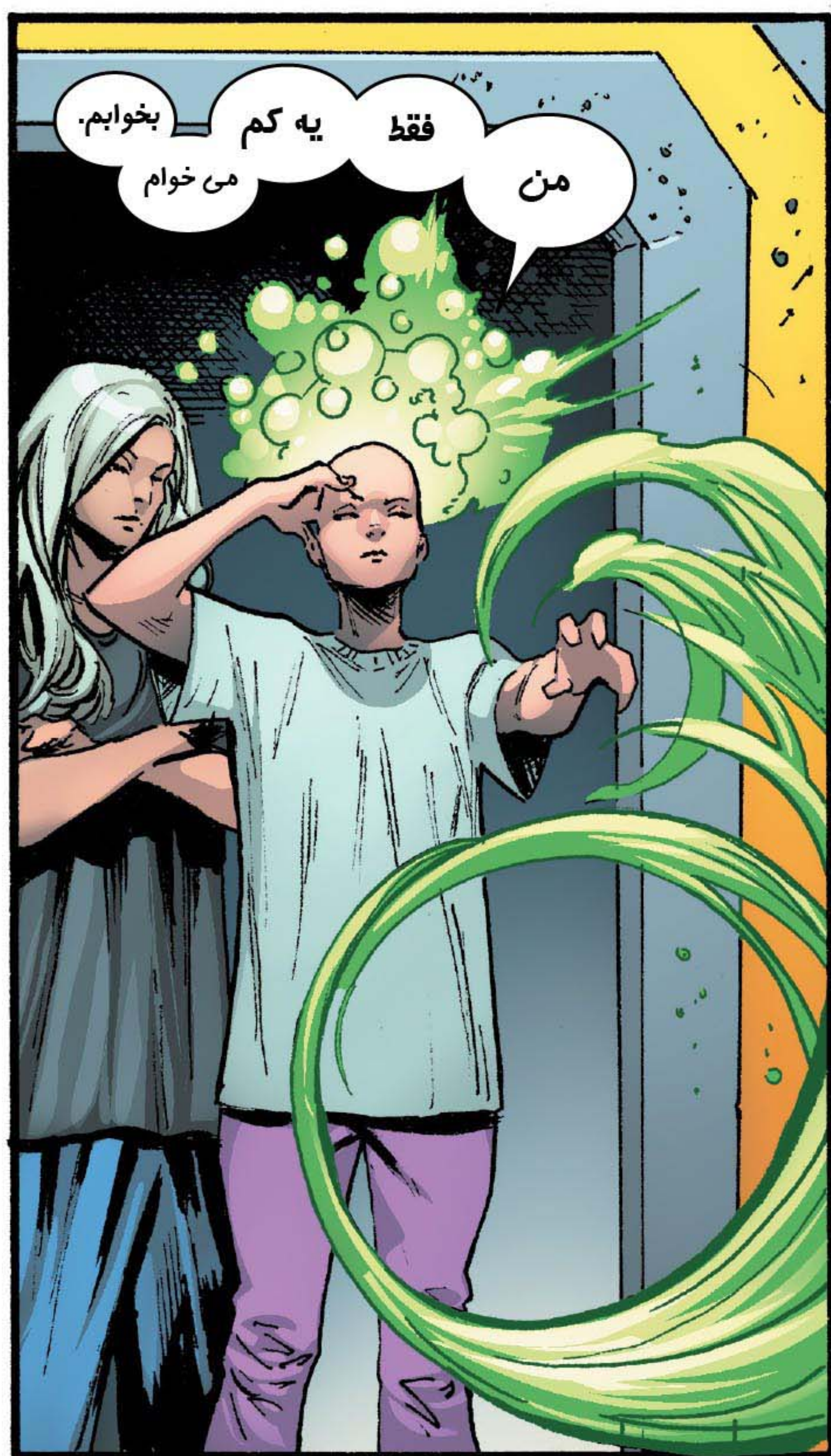
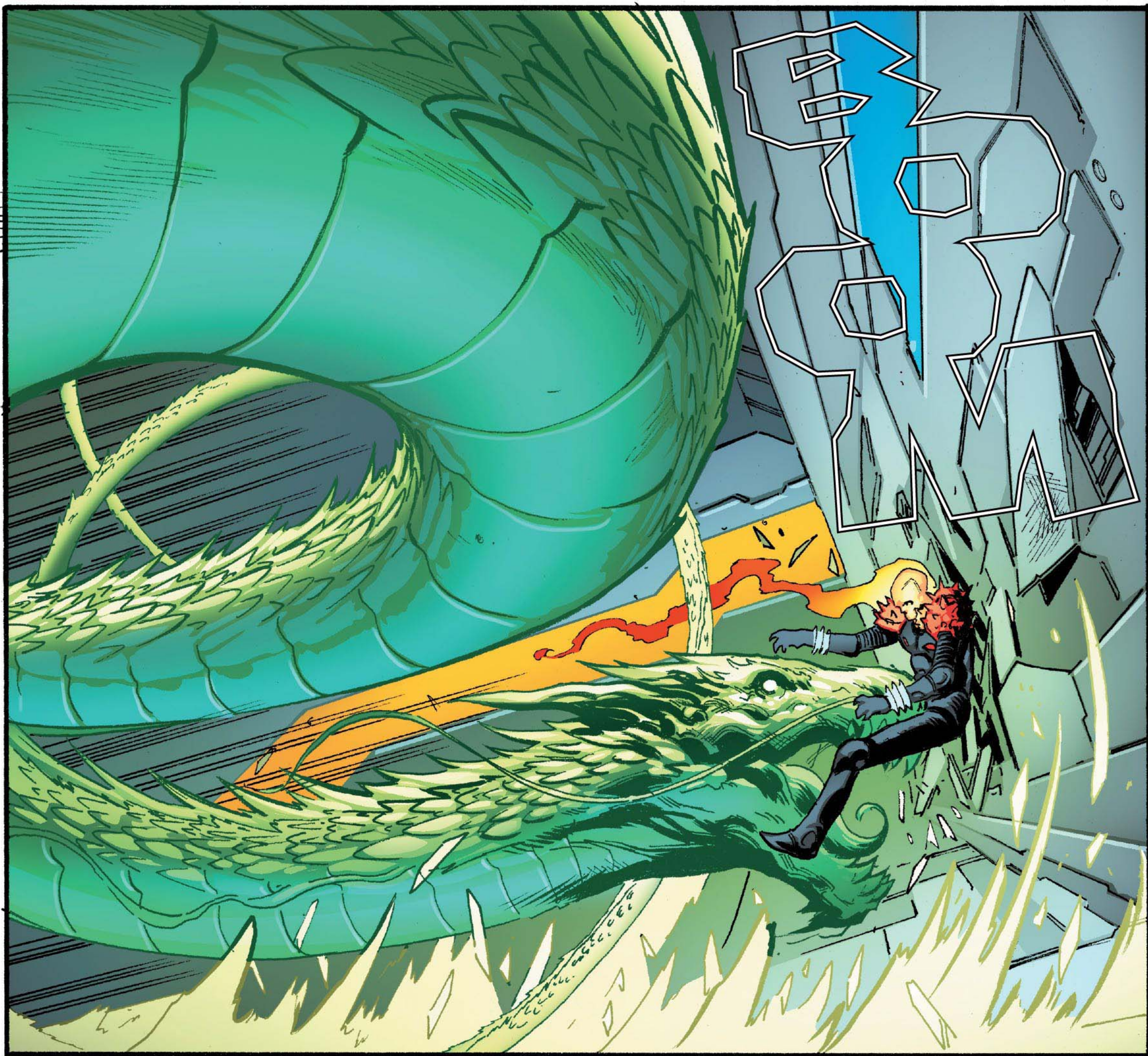
آآآه...
چرا اینجوری
شدی؟



درسته فاضلاب!
باید خوشحال باشی این
رفیق اسبت اینجاست جلوی
منو بگیره!

بچه من یه بار
تانوس رو کشتم! بدم
نمیاد یه حالی هم به
تو بدم و ...

کافیه!





مشکل تو
چییه؟ اصلاً تو
کی هستی؟

فرانک کاسل.
قاصد گالاکتوس.
یه نسخه کاملاً متفاوت
از آینده.

آره متوجه
شدم. اصلاً علاقه ای
به این موضوع
ندارم.



مشکل منم
اینه که حیوون
دست آموزش فکر می کنه
ما تو تیم "نجات گمورا"
هستیم.

منم زیاد
علاقه ندارم یه تانوس
زنده دیگه رو تحمل
کنم!



ما باید
نجاتش
بدیم.

گمورا یه جنگجوی
خودسره ولی لیاقت
بخشش از طرف ما رو داره
تا وقتی که نشون بده
لایق نیست.

کدوم یکی
از ما حداقل یک با
از داه اصلی منحرف
نشده...

جمجمه
سرخ
!\$##@



پسه

ما
طرف کسی
نیستیم!

می خواهی
شکارش کنی کسل؟
بفرما!

بیل و گروت
شما می خواهید نجاتش
بدید. می دونید در
کجاست.



فقط تو رو
خدا هر کاری
می کنی ساکت
باشید.



باشه بازنده ها.
شنیدید چی گفت
من می رم.

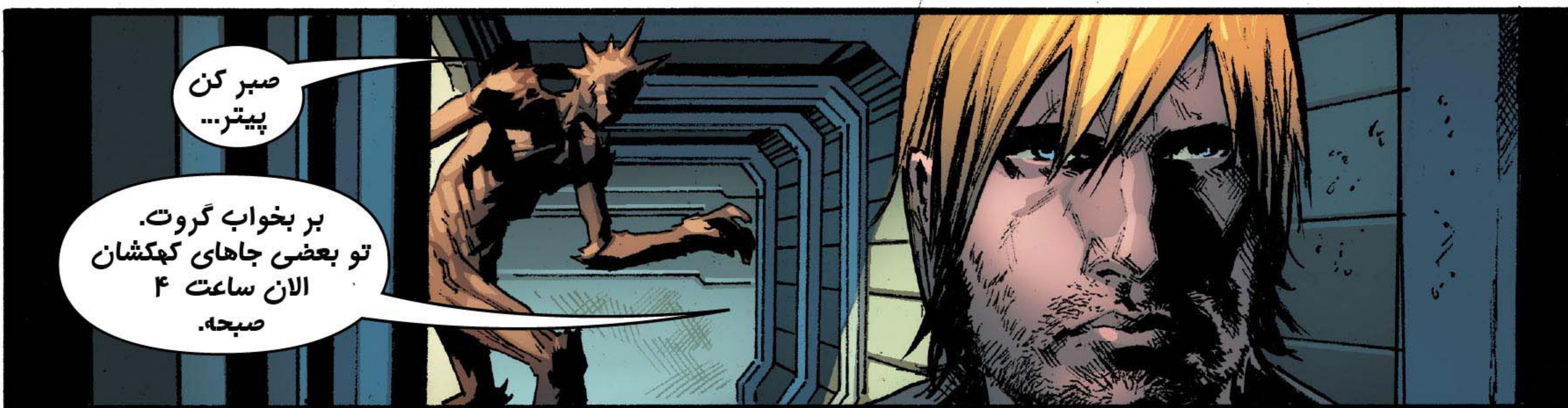
دعا کنید تو
میدون جنگ با من
رو برو نشید. مطمئنم
بتاری بیل به این
سادگی ها...

خلاصه پرو
چکشت رو آماده
کن خره.



مممم...

تا اون وقت
قاصد...



صبر کن
پیترو...

بر بخواب گروت.
تو بعضی جاهای کهکشان
الان ساعت ۴
صبحه.



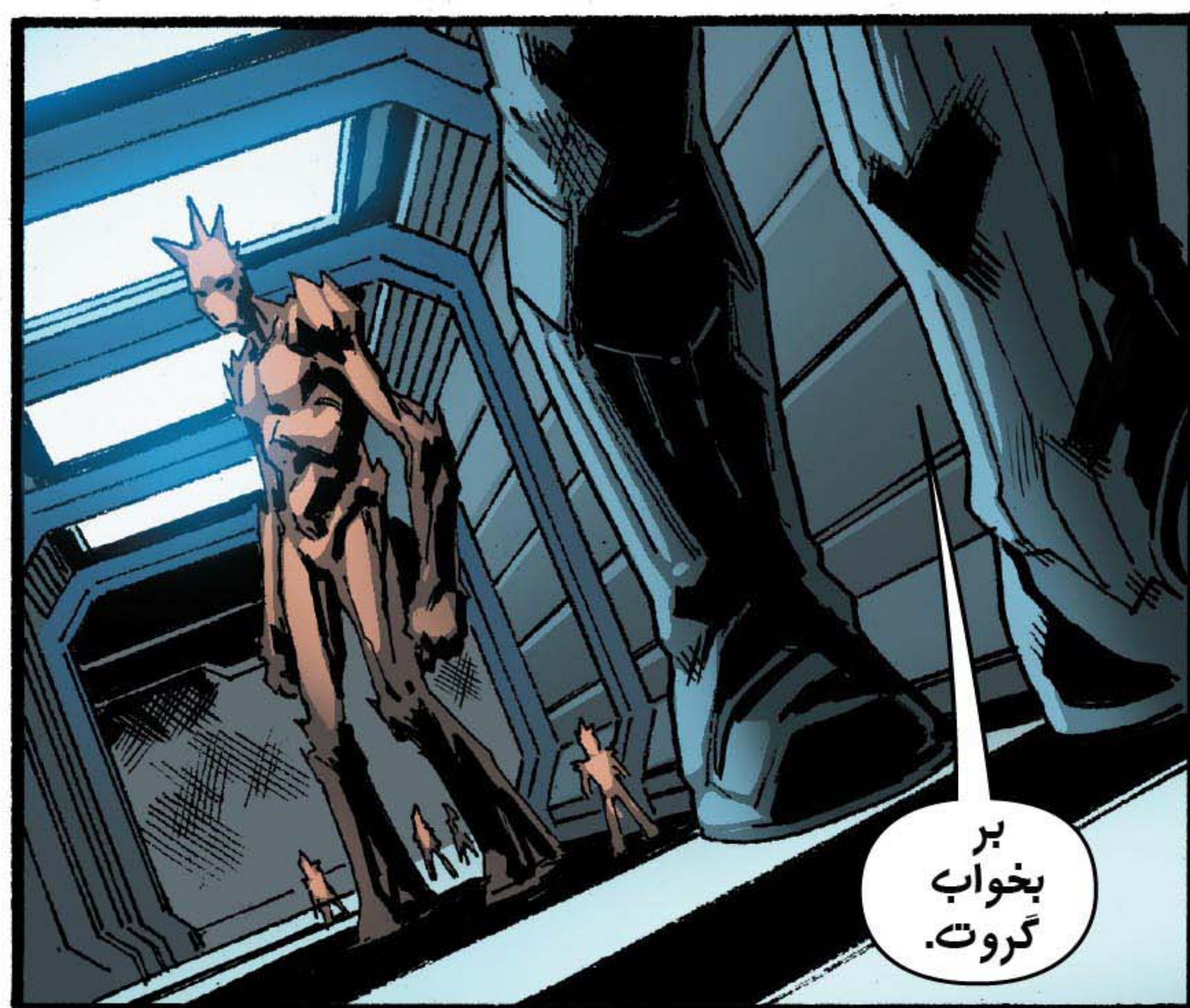
اون شیطان
داره می ره دنبال گمورا.
پیداش می کنه و بخاطر
کاری که نکرده اونو
می کشه.

این کارو
نمی کنه. تنها من و تو
می دونیم که اون کجاست
و قرار نیست کسی اونو
پیدا کنه.

ضمناً...



...تو نمی تونی
کسی رو قبلاً مرده
بکشی.



بر
بخواب
گروت.



بعد از آن ماجرا...
سفینه نابودگر شیار.
مرزهای حفاظت شده.



در آینده اگه
خواستی جلسه ای تو
سفینه من ترتیب بدی بهتره
اول از من اجازه
بگیری.

مردم من
تو رو از ورطه بیرون
کشیدند. ولی تو
بالاخر از قانون
و سنت شیار نیستی...



...مهم نیست
برادرت کی بوده
اروس.

معذرت
می خوام. بابت
نجات خودم ازت
متشکرم...



امیدوارم
اینطور باشه.



حالا. من
همتونو آوردم
اینجا تا مأموریت
خودمونو انجام
بدیم.

مأموریت
گسترش پیدا
می کنه ولی
تغییر نمی کنه.

تانوس
نجات پیدا
می کنه.

نباید
بذاریم این
اتفاق بیفته.

کار ساده ای
نیست. ولی
ما این جهان
رو نجات
خواهیم داد.



ما از این
کهکشان کحافظت
می کنیم.



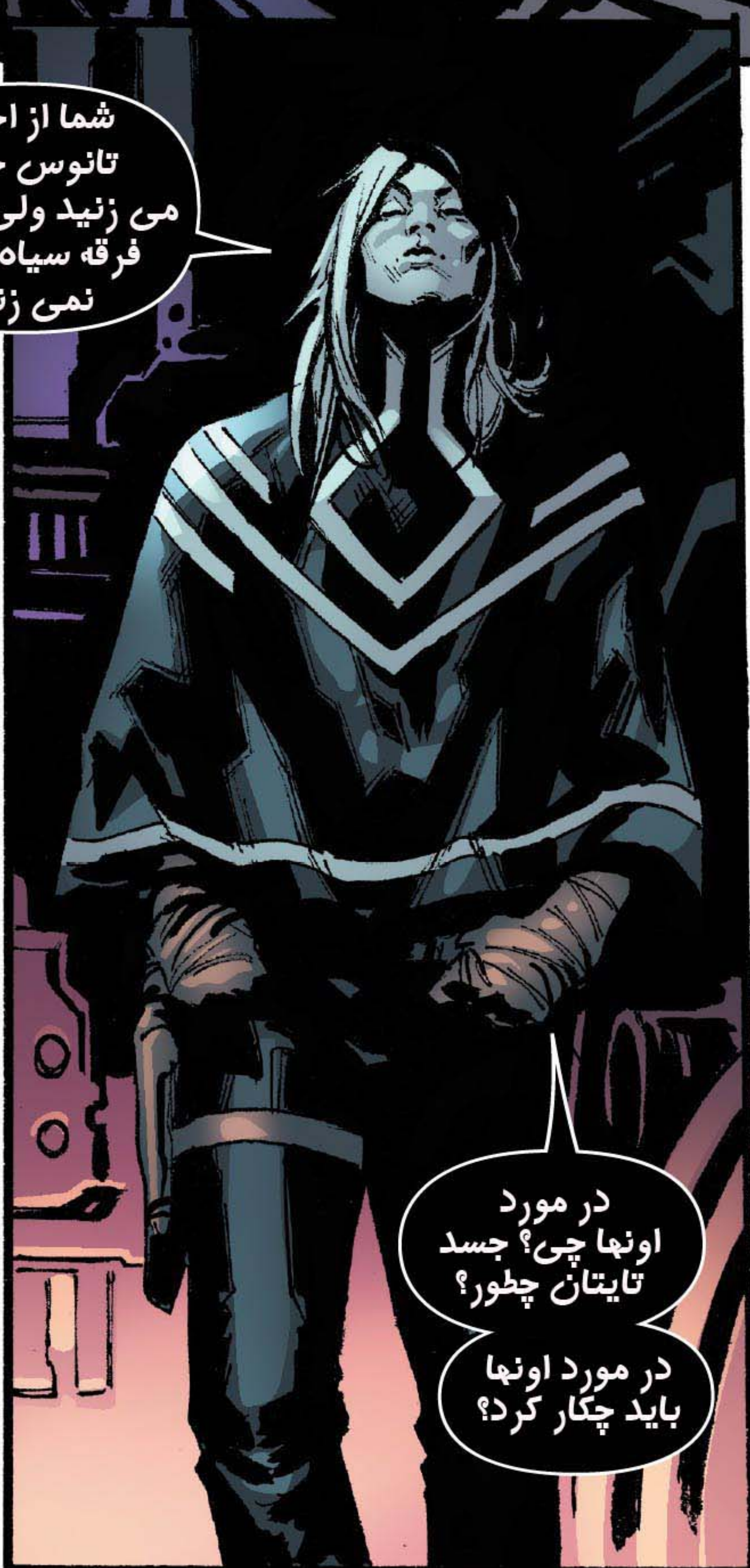
به هر
شکل ممکن.



بریم سر
اصل موضوع.

ما باید
از احتمالی ترین
کاندیدها برای احیای
مجدد تانوس
شروع کنیم...

شما از احیای
تانوس حرف
می زنید ولی در مورد
فرقه سیاه حرفی
نمی زنید.



در مورد
اونها چی؟ جسد
تایتان چطور؟

در مورد اونها
باید چکار کرد؟



تو په
جمجمه ای که آتیش
احاطه اش کرده.

بهتره به من
نزدیک نشی.



من
کسی
نیستم.

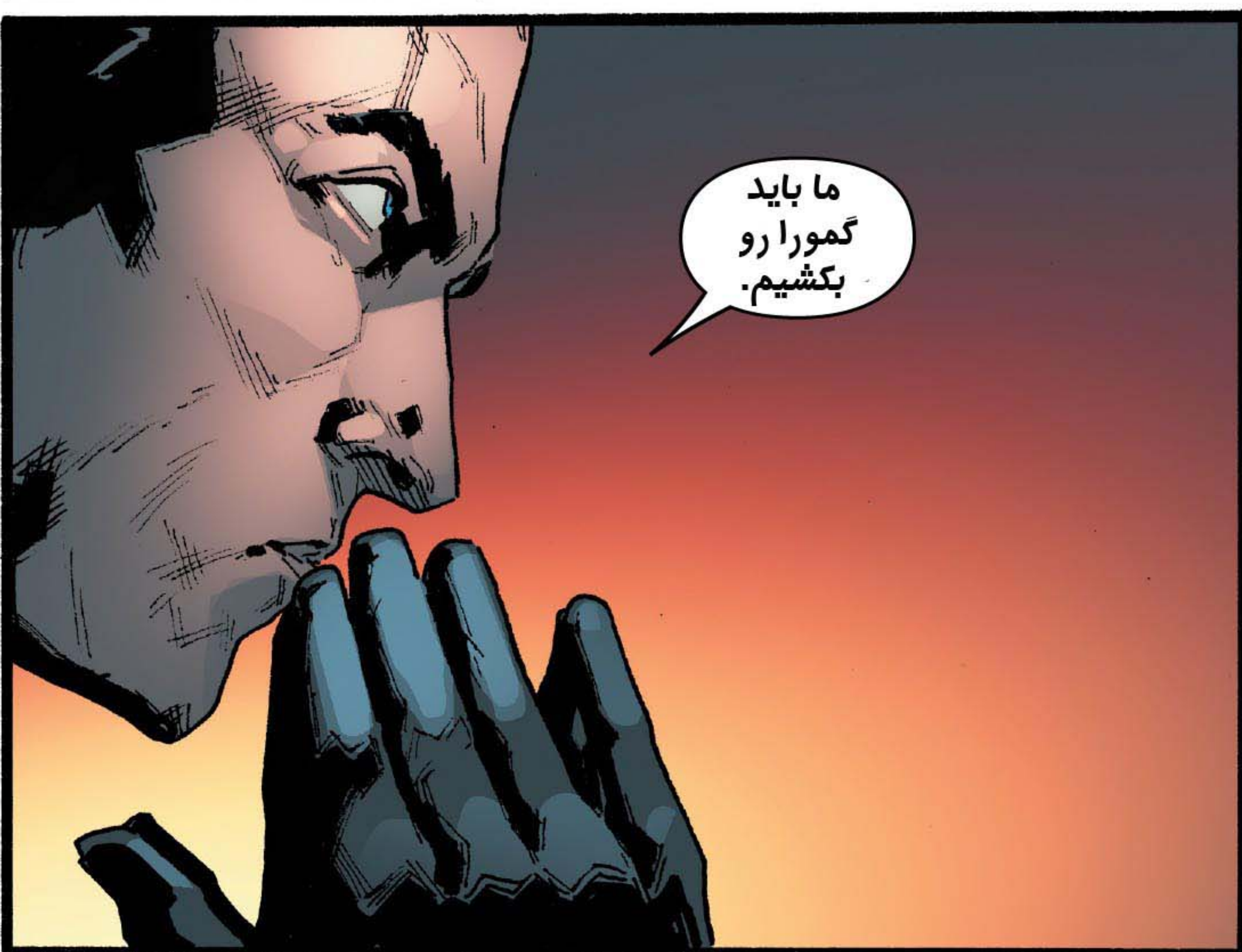
خیلی باحاله.
ببینم اون موتور
که بیرونه مال
توئه؟



ما فرقه
سیاه رو نادیده
نگرفتیم.

تمام اسکادران های
شیار دارند دنبالشون
می گردند بهتون اطمینان
می دم پیدا شون
می کنیم.

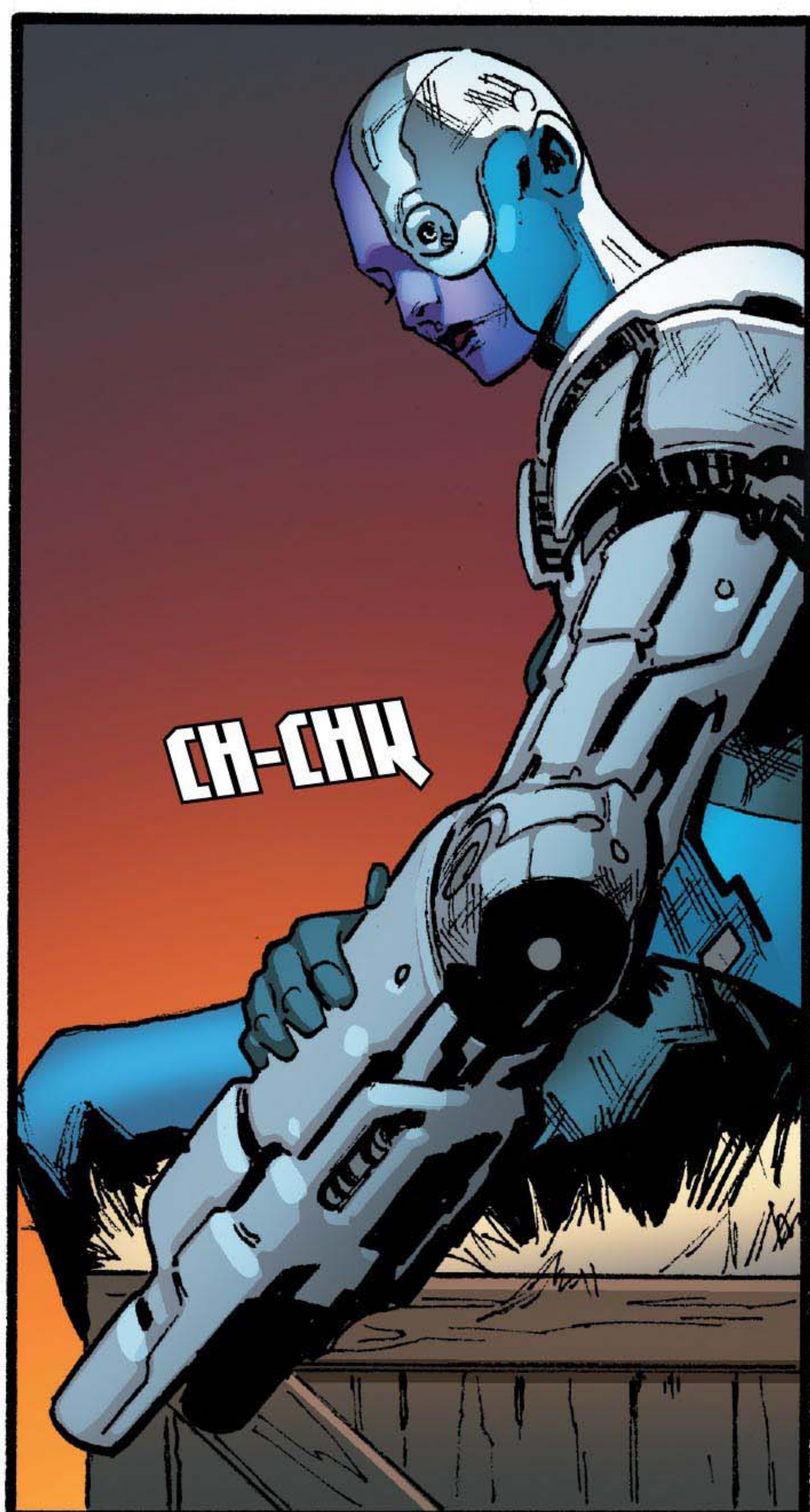
در این
بین باید
مأموریتی هم
انجام بدیم.



ما باید
گمورا رو
بکشیم.



قبل از شروع
باید راجع به چیزی
از تو بپرسم...





خیلی
خوب.

ولی جواب
سؤالم رو
نگرفتم...



اون...
کجاست؟

هیچکس
حتی غیبگوهایی
هم که متقاعد به همکاری
کردم، در موردش
چیزی نمی دونن.



از طریق
ضعف هاش
می تونیم
پیداش کنیم..

از طریق
قلبش.



ادامه
بده...

اون احساساتییه.
بهبش می گه
کجا رفته.

به کی؟

اون پسر
احمقی که دوستش
داشت. به هر حال.
پسر رو پیدا می کنیم
و محل کمورا رو از
مغز پسر
می کشیم بیرون.



خوبه.
پس شروع
می کنیم.

می دونی
کجا می شه این
پسر رو پیدا کرد؟



این بخش
ساده کاره.

اون سرش
درد می کنه
برای جنگ.

هر جا
مشکلی باشه
...

”...ریچارد رایدر
رو پیدا می کنی.

”نُوا.“

ادامه دارد!